

The role of trade in the spread of Islam in Timbuktu

Ali Reza Abdollahi¹ 

1. Department of Islamic Studies, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran. Email: alirezaabdollahi@iau.ac.ir

Article Info

Abstract

Article type:

Research Article

Article history:

Received:

24 April 2025

Received in revised form:

12 September 2025

Accepted:

06 October 2025

Published online:

17 December 2025

The city of Timbuktu, which was founded in the late 5th century AH/11th century AD on the southern edge of the Sahara Desert near the Niger River, flourished in the previous middle ages as a meeting place for desert caravans and a center of knowledge and trade in West Africa. The present study attempts to analyze the relationship between trade and the spread of Islam in Timbuktu and to answer the question: What was the role of trade in the spread of Islam in Timbuktu? The spread of Islam in Timbuktu was the result of a complex interaction between transit trade, political power, and scientific activities. Muslim merchants gradually converted the people of this land to Islam by facilitating trade routes, spreading the Arabic language, being close to the courts of West Africa, settling in Timbuktu and abandoning trade, and engaging in the propagation of Islam and supporting scholars. They paved the way for the spread of Islam in this city

Keywords:

History of Islam in Africa,
Trade and the Spread of Islam,
Desert Caravans,
Timbuktu

Cite this article: Abdollahi, Ali Reza. (2025). The role of trade in the spread of Islam in Timbuktu. *The Journal of Islamic History and Civilisation*, 21(52), 77-96.

<https://doi.org/10.71871/jhcin.2025.1214893>



© The Author(s).

<https://doi.org/10.71871/jhcin.2025.1214893>

Publisher: Islamic Azad University
Science and Research Branch

نقش تجارت در گسترش اسلام در تُمبوکتو

علیرضا عبداللہی^۱ 

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. رایانامه: alirezaabdollahi@iaui.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

شهر تُمبوکتو (تیمبوکتو) که در اواخر سده پنجم هجری/ یازدهم میلادی در حاشیه جنوبی صحرای بزرگ آفریقا و در نزدیکی رود نیجر شکل گرفت، در سده‌های میانه پسین به‌عنوان محل تلاقی کاروان‌های صحرایی و مرکز دانش و تجارت غرب آفریقا شکوفا شد. پژوهش حاضر می‌کوشد ارتباط تجارت و گسترش اسلام در تُمبوکتو را تحلیل کند و به این پرسش پاسخ دهد که نقش تجارت در گسترش اسلام در تُمبوکتو چه بود؟ گسترش اسلام در تُمبوکتو نتیجه تعامل پیچیده‌ای میان تجارت عبوری، قدرت سیاسی و فعالیت‌های علمی بود. بازرگانان مسلمان در روندی تدریجی با ایجاد تسهیلات در مسیرهای تجاری، رواج زبان عربی، نزدیکی به دربارهای غرب آفریقا، سکونت در تُمبوکتو و رهاکردن تجارت و پرداختن به تبلیغ اسلام و حمایت از علما، مردمان این سرزمین را به اسلام فراخواندند و زمینه‌ساز گسترش اسلام در این شهر شدند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۲۶

کلید واژه‌ها:

تاریخ اسلام در آفریقا،
بازرگانی و گسترش اسلام،
کاروان‌های صحرایی،
تُمبوکتو

استناد: عبداللہی، علیرضا (۱۴۰۴). نقش تجارت در گسترش اسلام در تُمبوکتو. تاریخ و تمدن اسلامی، ۲۱(۵۲)، ۷۷-۹۶.

<https://doi.org/10.71871/jhcin.2025.1214893>



© نویسندگان.

<https://doi.org/10.71871/jhcin.2025.1214893>

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

مقدمه

با گسترش فتوحات اسلامی در شمال آفریقا، مسیر ارتباطی مسلمانان به سوی نواحی جنوبی و غربی این قاره گشوده شد. در ابتدا این ارتباطها عمدتاً جنبه نظامی داشت و به دلیل ماهیت غارت‌گرایانه، نتوانست زمینه‌ساز پیوند پایدار میان مسلمانان و جوامع غرب آفریقا شود. از قرن دوم هجری به بعد، سیاست حاکمان مسلمان شمال آفریقا از فتوحات نظامی به توسعه مسیرهای بازرگانی و استفاده از منافع اقتصادی تغییر یافت. در نتیجه، شبکه‌ای از راه‌های تجاری میان شمال و غرب آفریقا پدید آمد و شهرهایی چون گائو، اودغشت، تادمکه و در نهایت تُمبوکتو، به کانون‌های اصلی مبادلات اقتصادی بدل شدند.

تُمبوکتو در قرون میانه نه تنها مرکز تجارت طلا، نمک و برده بود، بلکه به تدریج به یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های علمی و فرهنگی اسلام در غرب آفریقا تبدیل شد. با این حال، پرسش اساسی این است که چگونه روابط اقتصادی و تجاری، زمینه گسترش و تثبیت اسلام در این شهر را فراهم کرد؟ اگرچه بسیاری از پژوهش‌ها به گسترش اسلام در آفریقای غربی اشاره کرده‌اند، اما هنوز به درستی تبیین نشده که چه سازوکارهایی موجب شد تا تجارت به ابزار انتقال و پذیرش اسلام در تُمبوکتو تبدیل شود. بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که: تجارت چه نقشی در گسترش اسلام در تُمبوکتو ایفا کرد و این نقش از چه مسیرها و عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ناشی شد؟ فرضیه پژوهش بر این مبنا استوار است که شبکه‌های تجاری میان شمال آفریقا و صحرای بزرگ، بستر تعامل فرهنگی میان بازرگانان مسلمان و بومیان را فراهم کرد و این تعامل، زمینه‌ساز پذیرش و نهادینه‌شدن آموزه‌های اسلامی در تُمبوکتو شد.

منابع و مطالعات

نخستین آگاهی‌ها از تماس مسلمانان با سرزمین‌های جنوب صحرای بزرگ و غرب آفریقا در منابع قرون اولیه اسلامی انعکاس یافته است. ابن عبدالحکم در گزارش خود از حرکت عقبه بن نافع در سال ۴۶ هجری (ابن عبدالحکم، ۱۴۱۵: ۱۹۵/۱) و بلاذری از ادامه این حرکت به دست حبیب بن ابی عبیده الفهری به نواحی جنوبی یاد کرده‌اند (بلاذری، ۱۴۱۲: ۲۳۳). این رویدادها را می‌توان سرآغاز توجه مسلمانان شمال آفریقا به سرزمین‌های سودان غربی دانست؛ هرچند این تماس‌ها در آن دوره، ماهیتی پایدار و نظام‌مند نداشت.

در باب مناسبات تجاری شمال و غرب آفریقا، شماری از منابع تاریخی متقدم به ارتباطات اقتصادی میان دو منطقه اشاره کرده‌اند. حسن بن احمد مهلبی (د. ۳۸۰ق) در کتاب العزیزی یا المسالک و الممالک از دادوستد بازرگانان فاسی، مراکشی، قیروانی، غدامسی و طرابلسی با مناطق غرب آفریقا سخن گفته است (مهلبی، ۲۰۰۶: ۵۲، ۵۵). همچنین صفدی از تجارت مصریان با شهر تکرور در غرب آفریقا یاد کرده است (صفدی، ۱۴۲۰: ۷۹).

۸۴/۱۹). ابن خلدون (۱۳۷۰: ۳۶/۶) و قلقشندی (۱۹۷۰: ۱۰۷/۱، ۲۷۶/۵) نیز به اقبال بومیان غرب آفریقا نسبت به بازرگانان شمال آفریقا اشاره کرده و حرفه‌ای بودن، تخصص، صداقت و درستکاری آنان را از عوامل اعتماد و جذب جوامع محلی دانسته‌اند.

از قرن هشتم هجری به بعد، منابع سفرنامه‌ای تصویر روشن‌تر و دقیق‌تری از روابط اقتصادی و فرهنگی مسلمانان با جوامع غرب آفریقا ارائه می‌دهند. ابن بطوطه در رحله خود، تُمبوکتو را شهری معرفی می‌کند که در آن تجارت و دیانت درهم تنیده‌اند و مسلمانان از نفوذ اجتماعی گسترده‌ای برخوردارند. در قرن دهم هجری، ابن الوزان در اثر خود وصف إفريقيا، از شکوفایی بازارها، حضور علمای مسلمان و جایگاه علمی تُمبوکتو سخن گفته و آن را بزرگ‌ترین مرکز تجارت و دانش در غرب آفریقا دانسته است.

همچنین در منابع تاریخی محلی چون تاریخ السعدی و تاریخ الفتاش، نقش بازرگانان مسلمان و علمای دینی در تحکیم اسلام در دوران دولت سونغای برجسته شده است. این آثار به‌روشنی نشان می‌دهند که مناسبات اقتصادی و شبکه‌های بازرگانی، عامل اصلی پیوند میان تمدن اسلامی شمال آفریقا و جوامع بومی تُمبوکتو بوده‌اند. در میان پژوهش‌های معاصر، محققانی چون هیسکت، لوتزیون، کوک و حسن محمد نیز بر نقش شبکه‌های تجاری در انتقال فرهنگ و گسترش اسلام به غرب آفریقا تأکید کرده‌اند. یافته‌های آنان حاکی از آن است که موقعیت جغرافیایی تُمبوکتو در مسیر کاروان‌های طلا و نمک، زمینه‌ساز پیوندی پایدار میان تجارت و گسترش اسلام گردید. بر اساس این دیدگاه، اسلام در تُمبوکتو بیش از آن که از طریق فتوحات نظامی گسترش یافته باشد، در بستر تعاملات اقتصادی، فرهنگی و آموزشی میان شمال و غرب آفریقا استقرار و استمرار یافت.

از تازه‌ترین پژوهش‌های مرتبط با این موضوع می‌توان به سخنرانی دکتر احمد السامعی، استاد دانشگاه علوم اسلامی قسنطینه الجزایر، با عنوان «العلاقات بين الغرب الإسلامي والسودان الغربي» (قسنطینه، ۲۰۲۱م) و نیز مقاله احمد ابراهیم علی با عنوان «مظاهر الحياة الاجتماعية لتجار السودان الغربي عهد مملکتی مالی و الصنغی» منتشر شده در مجله التاريخ و المستقبل، شماره ۷۵ (فوریه ۲۰۲۴) اشاره کرد. در هر دو اثر، تجارت به‌عنوان یکی از عوامل اساسی در گسترش اسلام در تُمبوکتو معرفی شده است. باوجود این دستاوردها، سازوکارهای دقیق و درونی فرایند گسترش اسلام در تُمبوکتو همچنان نیازمند واکاوی تاریخی عمیق‌تر است. پژوهش حاضر باتکیه بر منابع تاریخی و دستاوردهای پژوهشی جدید، در پی تحلیل و بازشناسی این سازوکارها و تبیین نقش ساختارهای اقتصادی در گسترش اسلام در غرب آفریقا است.

مسیرهای تجاری و شبکه‌های اقتصادی تُمبوکتو

درباره تاریخ تأسیس شهر تُمبوکتو دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی پژوهش‌های باستان‌شناختی پیشینه‌ای کهن‌تر برای آن قائل‌اند. اما شواهد مستند تاریخی نشان می‌دهد که این شهر تا پیش از سال ۴۹۰ هجری، واحه‌ای

کوچک در حاشیه جنوبی صحرای بزرگ و نزدیکی یکی از شاخه‌های رود نیجر است که به‌عنوان چراگاهی برای طوارق مغشرن - شاخه‌ای از بربرها - و بومیان محلی مورد استفاده قرار می‌گیرد (السعدی، ۱۹۸۱: ۲۰؛ Low, 1995: 25).

تحول اساسی در تُمبوکتو زمانی رخ داد که این شهر به واسطه موقعیت جغرافیایی خود در تقاطع مسیرهای تجاری شمال به جنوب و غرب آفریقا یعنی راه‌های سحلماسه^۱ - تغازه^۲ - تُمبوکتو و طرابلس^۳ - فزان^۴ - کواری^۵ - برنو^۶ - تُمبوکتو و غدامس^۷ - ایرو^۸ - حوصه^۹ - تُمبوکتو، به مهم‌ترین پایانه بازرگانی منطقه بدل گردید. این جایگاه ممتاز موجب از دست رفتن اهمیت مسیر کهن تجارت طلا (غنا - گایو - مصر) و افول اقتصادی شهرهای اطراف تُمبوکتو (کومبی صالح^{۱۰}، والاته، گایو و جنی) شد (هیسکت، ۱۳۶۹: ۳۴). دسترسی دائمی تُمبوکتو به رود نیجر امکان انتقال کالا و ارتباط منظم با سایر مناطق را در همه اوقات سال فراهم می‌سازد و بدین ترتیب، تُمبوکتو از قرن هشتم تا دهم هجری به مرکز اصلی تبادل تجارت طلا، نمک، برده، عاج و دیگر کالاها در غرب آفریقا تبدیل می‌شود (Levit Zion, 2012: 158). به جز موقعیت استراتژیک تُمبوکتو، فعالیت گروه‌های بازرگان بربر شمال آفریقا (مسوفی‌ها و ملشمین^{۱۱})، دیولا (تجار بومی غرب آفریقا)، تجار عرب، مصری و مغربی و تجار عرب صغنفویی^{۱۲} اباضیه مذهب خارجی و مالکی مذهب (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۳۴۷/۲) نقش مهمی در توسعه تجارت در تُمبوکتو در بازه زمانی قرن پنجم هجری تا قرن دهم هجری دارد.

۱. در مراکش.

۲. در جنوب الجزایر.

۳. از شهرهای لیبی.

۴. از شهرهای مهم لیبی.

۵. بخشی از فزان و در حال حاضر از شهرهای لیبی.

۶. بخشی از کشور نیجریه فعلی.

۷. از شهرهای مهم لیبی.

۸. در کشور نیجر.

۹. بخشی از کشور نیجریه.

۱۰. بقایایی از آن در کشور موریتانی است.

۱۱. چون بر پیشانی و بینی خود نقاب می‌بستند به این عنوان مشهور شدند (الوزان، ۱۹۸۳: ۱۶۳/۲؛ السعدی، ۱۹۸۱: ۲۸).

۱۲. تجار عرب اباضیه مذهب به روستای زاغری شهر تادمکه آمده و در آنجا سکونت و به تجارت می‌پرداختند و به تجار صغنفویی شهرت داشتند (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۳۴۷/۲).

پیشینه ارتباطات تجاری بین شمال و غرب آفریقا در دوره اسلامی به سال ۱۲۸ ه و حضور تجار بربر صنهاجه ملثمین برمی گردد که از شمال آفریقا از راه ساحلی و صحرا به غرب آفریقا می روند (دندش، ۱۹۵۵: ۴۲). در پی آنها مسوفی ها (بربر صنهاجه ای) که ربه گردان بودند با دست کشیدن از شغل سنتی، وظیفه حفاظت و حراست از مسیرهای مواصلاتی جهت عبور و مرور منظم کاروان های تجاری را با اخذ عوارض، عهده دار می شوند (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۶۳). آنها راهنمایان و راه بلدهای صحرا (قلقشندی، ۱۹۷۰: ۱۰۷/۱؛ ابن خلدون، ۱۳۷۰: ۳۶/۶) و برخی با عنوان تکشیف^۱ با رسانیدن آب به کاروانیان در صحرای بی آب و علف و سوزان، ناجیان صحرا صحرا می باشند (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۴۲). بعضی از مسوفی های قافله سالار و بازرگان^۲ (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۳۹) در تغازه به تجارت نمک می پردازند. اکثریت جمعیت تمبوکتو نیز از مهاجرین مسوفی است که تجارت می کردند (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۴۱). مسوفی ها با حضور در مسیرهای تجاری از شمال تا غرب آفریقا و سکونت در تمبوکتو و دخالت در تجارت طلا و نمک و تامین امنیت راه ها، نبض تجارت را در غرب آفریقا در اختیار دارند.

رونق تجارت غرب آفریقا و تمبوکتو در این دوره زمانی مدیون گروه دیگری از تجار بومی ماندنجی زبان مشهور به دیولا هم بود. تجارت اصلی بازرگانان دیولا، تجارت طلا است (Conrad, 2005: 64). برخی تجارت کولا (نوعی نوشابه) را نیز به آنها نسبت داده اند (هیسکت، ۱۳۶۹: ۱۸۸). دیولاها که طبقه تجار مالی و به صورت شراکتی تجارت می کردند با استخدام محافظانی جهت تأمین امنیت کاروان ها تا کانو^۳ در نیجریه شمالی هم به تجارت اسب می پردازند (Conrad, 2005: 64). برخی از آنها با نزدیکی به دربار پادشاهان غانه با عنوان مشاور، وزیر، مترجم، کاتب و عامل مالیات به خدمت سلاطین غانه درمی آیند. گروهی با عنوان تجار موقتی به طور مداوم در مسیرهای تجاری در حرکت و برخی در شهرهای جنی و تمبکتو ساکن و از تجارت، سودهای کلانی عایدشان می شود (دندش، ۱۹۵۵: ۱۵۸). دیولاها با تجار عرب اباضی مذهب^۴ و مالکی مذهب روستای زاغری تادمکه مراوده تجاری داشتند (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۴۷).

۱. در لغت به معنی آشکار و برهنه نمودن (لغت نامه دهخدا) و در فارسی یعنی سقا (رساننده آب) و در آفریقا به کسی که به شغل رساندن آب به کاروانیان در بین راه مشغول بوده تکشیف می گویند (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۳۴۱).

۲. ایجاد راه تجاری ساجلماسه - تغازی - تمبکتو مرهون تجارت نمک معادن تغازه توسط مسوفی ها بود. و آنان در این شهر ساکن شدند (الوزان، ۱۹۸۳: ۱۸۳/۲؛ ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۶۰). گروهی از آنها به تجارت مس تکدا با مصر اشتغال و از مصر پارچه های حریر وارد می کردند (هیسکت، ۱۳۶۹: ۷۱-۷۲).

۳. شهری در نیجریه.

۴. حلقه های متعدد علمی و عقیدتی اباضیون و صفریون خارجی با آزادی کامل مانند تاهرت در غرب آفریقا و سودان برقرار بود (ابن صغیر، ۱۹۸۶: ۱۰۲، ۸۲، ۶۲، ۳۲).

بخش دیگر توسعه تجارت تُمبوکتو مرهون فعالیت‌های تجار غیربومی (عرب^۱، اندلسی، مغربی و مصری) بود که در طی سفرهایی که به تمبکتو انجام می‌دادند بعضاً در این شهر سکونت، و یا از شمال آفریقا شبکه تجاری خود را راهبری، و در گسترش تجارت در تمبکتو مؤثر بودند. احتمالاً بازرگانان عرب اباضیه نخستین گروهی از تجار بودند که از قرن سوم هجری در غرب آفریقا و تادمکه تجارت می‌کردند (ابن صغیر، ۱۹۸۶: ۳۲، ۶۲، ۸۲، ۱۰۲؛ ابن خلدون، ۱۳۷۰: ۲۸۴/۶ و ۲۹۰؛ الفاسی و ایفان هربک، ۱۹۹۴: ۹۵/۳) و سده‌ها بعد گروهی بازمانده از آنان مشهور به صغنغویی، و توری مالکی مذهب در زمان سفر ابن بطوطه در قرن ۷ هجری در روستای زاغری تادمکه هنوز به تجارت اشتغال داشتند (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۴۷). آن‌ها با بازرگانان بومی دیولا تجارت می‌کردند. از دیگر تجار مشهور عرب تُمبوکتو، فرزندان بنی سلیم اهل درعا^۲ و اعراب دلیم - که تجارت خرما می‌کردند - و اعراب آسفی - که به تجارت برده بین غرب و شمال آفریقا اشتغال داشتند - بودند (مارمول، ۱۹۸۴: ۱۸۶/۳).

مراکشی‌ها و بازرگانان فاس از دیگر بازرگانان تُمبوکتو که بیشتر تجارت آن‌ها بر پایه رود نیل و مبادله کالا با کالا بود. به سبب خطرهای و سرمای صحرا، راه ساحل را بر صحرا جهت تجارت ترجیح و به‌خاطر تخصصشان در تجارت و صداقت و درستی رفتار مورداحترام مردم غرب آفریقا بودند و سودهای سرشاری عایدشان می‌شد (مهلبی، ۲۰۰۶: ۵۵؛ قلقشندی، ۱۹۷۰: ۲۷۶/۵؛ ابن الوزان، ۱۹۸۳: ۲۱/۲؛ مارمول، ۱۹۸۴: ۱۴۶/۳). بازرگانان خاندان عشوبی اهل فاس^۳ با ارتباط با سرزمین‌های طلا نظیر کانو و تُمبوکتو (غرب سودان)، از جایگاه مهمی در تجارت طلا و پارچه‌های هندی و قهوه در غرب و شمال آفریقا برخوردار بودند. تجار خاندان‌های تربانه، رحومه، مؤمن و غریانی از تجار مغربی با تجار بومی جهت استخراج خاک طلا از تکرور در غرب تُمبوکتو و انتقال آن از مسیر تُمبوکتو به شمال آفریقا پیمان می‌بندید و به ثروت فراوانی دست پیدا می‌کنند. گروه دیگر تجار آفریقای شمالی که با تُمبوکتو تجارت دارند تجار اهل مصراته^۴ می‌باشند که در تجارت گربه زباد^۵ و برده و مشک فعال می‌باشند. عبدالواسع مصراتی (کعت، ۲۰۱۴: ۲۱۴؛ ابن الوزان، ۱۹۸۳: ۱۱۱/۲) و حاج سالم مصراتی از بازرگانان مصراته در تُمبوکتو ساکن و جزو افراد سرشناس شهر محسوب می‌شدند (السعدی، ۱۹۸۱: ۲۱ و ۵۹).

۱. از قبایل عرب ساکن در غرب آفریقا اعراب معقل، رقیبات، اولاد دلیم، جکاکنه، اولاد یعقوب، مردم آروان، کونته و اولاد غلان بودند (طرخان، ۱۹۷۱: ۱۹).

۲. شهری در شام

۳. از شهرهای مهم مراکش.

۴. از شهرهای لیبی.

۵. نوعی حیوان گوشت‌خوار که از ترشحات غدد آن ماده مشک به دست آمده و در عطرسازی و داروسازی استفاده می‌شده است.

تجار اندلسی نیز هم پای بازرگانان مغربی در تجارت طلای غرب آفریقا و تُمبوکتو مشارکت دارند. تجار برجی اندلسی و تجار خاندان صباغ از خاندان‌های مهم تجاری اندلسی در زمینه تجارت طلا در سده دهم و اوایل سده یازدهم هجری با تُمبوکتو ارتباط تجاری داشتند (اسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۹-۲۲). ابن بطوطه از تجارت تجار سجلماسه (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۴۲) و تاجری تلمسانی اهل مغرب به نام حاج زیان (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۳۹) در تُمبوکتو یاد می‌کند. تجار مصری از دیگر بازرگانان غیربومی بودند که در رونق تجارت در تُمبوکتو تاثیر دارند. در بازگشت منسا موسی (سلطان مالی) به سال ۷۲۴ ه از سفر حج و در مصر، تعدادی از تجار مصری که مشتاق تجارت با غرب آفریقا و تُمبوکتو بودند همراه منسا موسی می‌شوند. سراج‌الدین بالکویک از آنان بود که به تجارت خود با تکرور^۱ رونق می‌دهد (الصفدی، ۱۴۲۰: ۸۴/۱۹). به سبب تعداد زیاد تجار مصری و باهدف تسهیل تجارت و حفظ منافع بازرگانان مصری در تُمبوکتو، آنها نماینده‌ای در تُمبوکتو داشتند که در زمان سفر ابن بطوطه، شمس‌الدین نقویش مصری است (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۴۸). حضور تجار و بازرگانان شمال آفریقا و نقش فعال آنان در شبکه‌های دادوستد با تُمبوکتو، عامل تعیین‌کننده در رونق مبادلات تجاری است (Levit Zion, 2012: 164). الوزان، مهاجرت بازرگانان از والاته به تُمبوکتو را سبب گسترش تجارت در این شهر و افول والاته می‌بیند (ابن الوزان، ۱۹۸۳: ۱۶۲/۲). حضور تجار عرب و مراوده آنها با تجار بومی و بالا بودن سطح سواد و فرهنگ اعراب مسلمان موجب رواج زبان عربی به عنوان زبان تجارت می‌گردد (ابن الوزان، ۱۹۸۳: ۱۶۰/۲).

عامل دیگری که از دیرباز در ایجاد و رونق تجارت و بازرگانی تاثیرگذار بوده راه‌های تجاری است. در طول تاریخ بسیار رخ داده که نقطه‌ای در محل تقاطع راه‌های تجاری قرار گرفته و به شهر مهمی بدل می‌گردد و تُمبوکتو در قرن هشتم تا دهم هجری از این نمونه‌ها است. در تجارت بین شمال و غرب آفریقا، مدت‌ها از راه تجاری گایو در خم رود نیجر به وادی خارجه و مصر استفاده می‌شود تا این که راه‌های امن تر سجلماسه - تغازه - تُمبوکتو و طرابلس - فزان - کوار - برنو (هیسکت، ۱۳۶۹: ۳۴). جایگزین آن می‌شود. راه سجلماسه - تغازه - تُمبوکتو که بزرگترین راه تجاری در آفریقا بود به سبب تجارت طلا و نمک ایجاد می‌شود (حسن محمد، ۱۴۳۰: ۱۴۶). طلای معادن بامبوک^۲ و بوره^۳ از غرب آفریقا از این مسیر به شمال آفریقا، مصر و اندلس صادر می‌گردید. امویان اندلس و فاطمیان از طلاهای وارداتی جهت ضرب سکه استفاده می‌کردند و نوعی رقابت بین این دو دولت‌ها جهت کنترل این تجارت مهم در جریان بود (Elfasi, ۱۹۸۸: ۳۳۹). کاروان‌ها پس از عبور از سجلماسه

۱. اکنون جزو سنگال است.

۲. در شمال غربی کشور مالی.

۳. در شمال غربی کشور مالی.

به تغازه، اوداگست، غانه و والاته وارد تُمبوکتو می شوند. دلیل دیگر ایجاد این مسیر، تجارت نمک توسط مسوفی‌ها است که در شهر تغازه سکونت و نمک - که نقش حیاتی در رژیم غذایی و نگهداری مواد غذایی دارد و کالای بسیار ارزشمندی در غرب آفریقا است (Conrad: 2005, 62; Reece, 2005: 29) - را استخراج و به فروش می رسانند (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۶۰). ابن بطوطه در قرن ۸ هجری و الوزان یک قرن بعد با کاروان‌های تجاری این مسیر همراه، و در سفرنامه‌های خود از آن یاد می کنند. شبکه‌های تجاری که از قرن چهارم هجری به بعد بین شمال و غرب آفریقا از طریق این مسیر تجاری ایجاد می گردد نقش مهمی در تجارت دارد. و از دلایل اقبال بازرگانان به تُمبوکتو، قرار گرفتن این شهر در تقاطع این مسیرها است.

مسیر دیگر تجاری که شمال و غرب آفریقا را متصل می کند راهی بود که از افریقیه از طریق طرابلس به فزان، کوار و برنو منتهی می شود. این مسیر کهن ترین و سهل ترین راه‌های تجاری آفریقا و به سبب تجارت برده پدید می‌آید. از تجارت‌های دیگری این مسیر، تجارت نمک است که از واحه بلمه^۱ صادر می گردد. از این مسیر پارچه‌های یمنی و مصری به تمبوکتو وارد می شود. تجار خاندان عشوبی اهل فاس از تجار مغربی فعال این مسیر علاوه بر تجارت طلا، نقش بارزی در تجارت پارچه‌های هندی و قهوه دارند. سومین مسیر تجاری بین شمال و غرب آفریقا، راه غدامس به ایرو و حوصه است. این مسیر در میانه دو مسیر سجلماسه - تغازه - تُمبوکتو و طرابلس- فزان - کوار- برنو قرار دارد (حسن محمد، ۱۴۳۰: ۱۴۱). در این مسیر، مسوفی‌های تکه‌ده (جنوب شرق تادمکه^۲) به استخراج و صادرات مس به سرزمین‌های حوصه و کانم می‌پردازند و با درآمد آن پارچه‌های مصری^۳ خریداری می کردند.

تُمبوکتو در قرن هفتم تا دهم هجری نه محل تولید و نه مصرف کالا بلکه پایانه انتقال کالا از جنوب و غرب آفریقا به شمال آفریقا است. طلا از معادن بامبوک و بوره در منطقه دلتا (ساحل عاج و سنگال کنونی) به تُمبوکتو وارد و از آنجا به شمال آفریقا و مصر و اندلس صادر می شود. برده از تکرور در جنوب غرب تُمبوکتو به این شهر وارد و از آنجا به شمال آفریقا صادر می شود (لومبارد، ۱۳۹۱: ۲۴۷). در مواردی هم بردگان از شمال آفریقا به تُمبوکتو جهت فروش وارد می شوند. نمک از منطقه تغازه در شمال غرب و بیلمه در شمال شرق به تُمبوکتو وارد و

۱. بخشی از کشور نیجر.

۲. حسن بن احمد مهبلی از این شهر یاد و از تجارت آن با قیروان، غدامس و طرابلس در شمال و گایو و غنا سخن رانده است (المهبلی، ۲۰۰۶: ۵۲) و در حال حاضر جزو کشور مالی است.

۳. صنعت نساجی و پارچه بافی و تجارت آن، با اسلام آوردن بومیان و الزام آنها به پوشش از سوی حکام و علما پر رونق، و درآمد زیادی را عاید بازرگانان می کند (مارمول، ۱۹۸۴: ۳۰۱۹۸). لباس بومیان غرب آفریقا و تمبکتو بسیار شبیه به لباس اعراب و اهالی مغرب بود (العمری، ۱۴۲۳: ۲۰۳/۱؛ قلقشندی، ۱۹۷۰: ۳۹۹/۵)

در داخل آفریقا مصرف می شود. عاج، پشم شتر مرغ و پوست حیوانات از مناطق سودان غربی به تُمبوکتو وارد و از آنجا به شمال آفریقا صادر می گردد. روغن زیتون، منسوجات پشمی و کتان و حریری و بلورهای شیشه ای، ظروف سفالی درخشان و رنگارنگ و جواهر و عطر از مصر و شمال آفریقا به تُمبوکتو وارد و بخشی در آنجا مصرف و بیشتر آن به مناطق دیگر غرب آفریقا صادر می شود (البکری، ۱۹۹۲: ۳۷۱، ۳۷۴؛ ادریسی، ۱۹۸۹: ۱۰۷/۱؛ قلقشندی، ۱۹۷۰: ۲۷۸/۵)

تجار مسلمان عرب و غیر عرب شمال آفریقا مراکز تجاری بزرگی را در تُمبوکتو ایجاد می کنند (بوید، ۱۳۸۵: ۵۶). قرن دهم هجری نقطه عطفی در تسلط کامل تُمبوکتو بر تجارت و صادرات و واردات غرب آفریقا است. تجارت در این زمان از حالت کالا با کالا خارج و سکه طلای ضرب شده در تُمبوکتو در مبادلات تجاری رایج می گردد (البکری، ۱۹۹۲: ۳۷۰/۲) در حالی که در آن زمان در مناطق دیگر غرب آفریقا تجارت کالا با کالا حاکم و به جای استفاده از درهم و دینار، قطعات نمک و یا زیورآلات شیشه ای و... که در زبان محلی «نظم» گفته می شد استفاده می گردید (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲/ ۳۴۶). مراکز تجاری و صنعتی زیادی ساخته و تعداد زیادی بازرگان و صنعتگر در این مراکز اشتغال دارند. مهلبی از شکوه و عظمت بازارهای مملو از کالاهای مختلف یاد می کند که دسترسی به آن ها از هر سرزمینی ممکن است (مهلبی، ۲۰۰۶: ۴۵). به مرور و با مسلمان شدن بومیان محلی، کالاهای فرهنگی مانند کتاب ها هم جای خود را در میان مال التجاره بازرگانان باز می کند و کار به جایی می رسد که با وجود بازار پر رونق و متنوع کالاهای تجاری از قبیل طلا و نمک و برده و پارچه و... آن چیزی که بیشتر با ارزش می نماید و نماد ثروت و فرهیختگی جامعه تُمبوکتو بود کتاب های علمی است (ابن الوزان، ۱۹۸۳: ۱۵۷/۲).

نقش بازرگانان و تعاملات فرهنگی در گسترش اسلام

از عوامل اصلی رونق تجاری تُمبوکتو، حضور فعال بازرگانانی است که نه تنها جریان کاروان ها را تضمین می کنند، بلکه به گسترش اسلام کمک می کنند. از قرن پنجم تا دهم هجری، گروه های متنوعی از بازرگانان چون بربرهای مسوفی و ملثمین، تجار بومی دیولا، عرب، مصری، مغربی و عرب صغنیوی اباضیه مذهب و مالکی مذهب، شبکه های تجاری را بین شمال و غرب آفریقا ایجاد می کنند (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲/ ۳۴۷). با توسعه این شبکه، زبان عربی زبان رسمی مراودات تجاری و نوشتن قراردادهای تجاری، و خط عربی مغربی رایج (قلقشندی، ۱۹۷۰: ۲۸۷/۵) و زمینه پذیرش اسلام توسط تجار محلی و بومیان فراهم می گردد (قلقشندی، ۱۹۷۰: ۲۸۶/۵؛ السعدی، ۱۹۸۱: ۴؛ ابن الوزان، ۱۹۸۳: ۱۶۰/۲؛ دندش، ۱۹۵۵: ۱۵۸). ابن الوزان تجارت را عامل اصلی رشد تُمبوکتو، و مهاجرت تجار از ولاته به این شهر را سبب شکوفایی اقتصادی و تبدیل تُمبوکتو به مرکز اقتصادی و

تجاری امپراتوری سنغای^۱ برمی شمرد (ابن الوزان، ۱۹۸۳: ۱۶۲/۲). تجارت نه تنها بنیان اقتصادی تُمبوکتو را شکل می دهد، بلکه جایگاه آن را در ساختار فرهنگی و دینی غرب آفریقا تثبیت و زمینه ساز گسترش اسلام در منطقه می شود.

تا اوایل قرن ششم هجری، دین غالب اهالی تُمبوکتو بت پرستی، پرستش خورشید و آتش است (ابن الوزان، ۱۹۸۳: ۱۵۹/۲). با آغاز فعالیت های دینی مرابطین در قرن پنجم هجری (ابن الوزان، ۱۹۸۳: ۱۶۰/۲) و ورود و سکونت تجار و بازرگانان بربر، به ویژه ملثمین صنهاجه مالکی مذهب، تحول مهمی در ساختار دینی این منطقه رخ می دهد (بکری، ۱۴۱۴: ۳۶۳/۲، ۳۶۳؛ السعدی، ۱۹۸۱: ۲۳). این گروه با اختلاط با بومیان و توسعه تُمبوکتو، زمینه گسترش اسلام را در میان بومیان فراهم می کنند (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲/۳۶۲). ابن بطوطه و الوزان تأکید می کنند که در زمان سفر آنان به تُمبوکتو، اکثریت جمعیت شهر را مهاجرین مسوفی مسلمان تشکیل می دهند و اسلام به طور فزاینده ای در میان بومیان رواج یافته است (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲/۳۴۱). این روند نشان می دهد که ترکیب مهاجران مسلمان و فعالیت های تجاری و فرهنگی آنان نقش تعیین کننده ای در تثبیت و گسترش اسلام در تُمبوکتو ایفا می کند. مسوفی های مسلمان که در مسیرهای تجاری و شهرهایی مانند تُمبوکتو، تغازه و کوکو سکونت داشتند، با به جان خریدن خطرات و به عنوان تسهیل گران تجارت، به طور غیرمستقیم در توسعه تجارت و گسترش اسلام اثر می گذارند (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲/۳۴۲). مسوفی های تکه ده با مصر ارتباط تجاری برقرار می کنند و علمای تُمبوکتو با تأثیرپذیری از افکار علمی و دینی علمای مصر چون سیوطی (د. ۹۱۹ق). نقش مهمی در اشاعه اسلام ایفا می کنند (هیسکت، ۱۳۶۹: ۷۲). مهاجرت دانشمندان مسوفی والاته به تُمبوکتو در قرن نهم هجری، از عوامل اصلی گسترش اسلام در این شهر است. والاته به واسطه مسوفی ها، مدت ها مرکز مبادلات تجاری و فکری با شمال آفریقا است. مسوفی های مسلمان با حفاظت و حراست از مسیرهای تجاری، قافله سالاری، تجارت نمک و مس، و تسهیل ارتباطات فرهنگی و دینی، نقش تعیین کننده ای در رونق اقتصادی و گسترش اسلام در تُمبوکتو و مناطق پیرامونی دارند (هیسکت، ۱۳۶۹: ۷۰).

در کنار مسوفی ها، تجار دیولا به عنوان یکی از عناصر بومی منطقه، نقش تعیین کننده ای در توسعه تجارت و گسترش اسلام در غرب آفریقا و تُمبوکتو دارند. شواهد تاریخی نشان می دهد دیولاها احتمالاً پیش از سایر طبقات مردم غرب آفریقا مسلمان شده و با تجار مسلمان مصری و مغربی شمال آفریقا در تعاملات تجاری قرار دارند. دیولاها با تبلیغات تجار عرب رستمی اباضیه مذهب^۲ در روستای زاغری واقع در تادمکه، نخست به مذهب اباضیه

۱. از بزرگترین و قدرتمندترین امپراتوری های قرن نهم و دهم هجری که مرکز آن گایو بود.

۲. یکی از پادشاهان بت پرست مالی در سال ۵۷۵ هجری به دست علی بن یخلف از سفرا و تجار اباضیه رستمی مسلمان و این تاجر سود سرشاری از تجارت طلا خام (تبر) بدست آورد (ابوالعباس الدرجینی، ۱۹۷۴: ۵۷۰).

گرویده و با گذر زمان و تحت تأثیر تجار مالکی مذهب عرب، مالکی مذهب می‌شوند (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲/ ۳۴۷).

گروهی از دیولاها در قرن هشتم هجری با تأسیس شهرک‌های تجاری در کانو و تُمبوکتو، زمینه استقرار جمعیت یکجانشین و رونق تجارت و گسترش اسلام را فراهم می‌کنند (هیسکت، ۱۳۶۹: ۷۷). بارونق تجارت در تُمبوکتو، برخی دیولاها خانواده‌های خود را در این شهر مستقر و با ایجاد مراکز آموزشی، مدارس و استقرار روحانیون، بستر فرهنگی و دینی شهر را تقویت می‌نمایند. تجار دیولا با پذیرش اسلام، وحدت اجتماعی و اقتصادی درون‌گروهی در خود ایجاد می‌کنند و از طریق بازارها و ساختارهای شهری، قدرت مالی و اجتماعی کسب می‌کنند. اوج قدرت اقتصادی آنان به دوره فرمانروایی غانه^۱ بازمی‌گردد (دیویدسن، ۱۳۶۹: ۱۸۶). دیولاها با با درآمد حاصل از تجارت، امکان حضور علمای مسلمان از شمال آفریقا، مصر و حجاز را در تُمبوکتو و دیگر شهرهای غرب آفریقا فراهم می‌کنند. آنان مدارس و خوابگاه‌هایی برای طلاب تُمبوکتویی در مصر ایجاد می‌کنند و هزینه نگهداری و آموزش آنان را تأمین و موقوفاتی برای این مدارس قرار می‌دهند (دندش، ۱۹۵۵: ۱۵۷). برخی دیولاها با عنوان تجار موقتی در مسیرهای تجاری حرکت و در منزلگاه‌های بین‌راهی به تبلیغ اسلام می‌پردازند و برخی در شهرهایی چون تُمبوکتو و جنی ساکن شده و با ساخت مساجد و ایجاد حلقه‌های علمی و حدیثی، به طور مستقیم در توسعه تعلیمات اسلامی مشارکت می‌کنند. تردد مداوم دیولاها در مسیرهای تجاری و ایجاد زاویه‌ها و مدارس شبانه‌روزی موجب می‌شود تا اسلام به تدریج در میان بومیان رواج و تُمبوکتو به مرکز فرهنگی و دینی منطقه تبدیل گردد.

علاوه بر تجار مسوفی صنهاجه و دیولا، بخش مهمی از گسترش اسلام در تُمبوکتو مرهون فعالیت‌های تجار غیربومی مغربی، اندلسی و مصری است. فرمانروایی‌های غرب آفریقا که خود بخشی از تجارت (تجارت انحصاری طلا) در منطقه بودند در برخورد با تجار مسلمان در ابتدا احتیاط می‌کردند و اجازه سکونت به تجار مسلمان در شهرها و اختلاط با بومیان را نمی‌دادند و تجار مسلمان با صبر و شکیبایی با این سیاست حکام منطقه کنار می‌آیند و بدون ایجاد حساسیت برای حاکمان و جمعیت محلی، به تجارت و تبلیغ اسلام می‌پردازند.

تجار مغربی، به‌ویژه اهل فاس که عمدتاً از مسیر ساحلی و رود نیل برای تجارت استفاده می‌کردند و در مبادله کالا با کالا، به‌ویژه طلا، پارچه‌های هندی و قهوه فعال بودند با صداقت و درستکاری در معاملات، احترام جوامع محلی را به دست می‌آوردند (ابن الوزان، ۱۹۸۳: ۲۱/۲)؛ مارمول، ۱۹۸۴: ۱۴۶/۳. آن‌ها اگرچه مستقیماً به تبلیغ اسلام نمی‌پرداختند، با رعایت اصول اسلامی در معاملات، انجام عبادات به شکل عمومی و رعایت اخلاق

۱. از مهمترین فرمانروای‌های غرب آفریقا که از قرن ششم میلادی تا سیزدهم میلادی فرمانروایی می‌کرد و توسط فرمانروایی مالی از بین رفت.

حرفه‌ای و صداقت و درستکاری (کعت، ۱۴۳۵: ۳۵) زمینه پذیرش اسلام را در میان تجار و بومیان تُمبوکتو فراهم می‌کنند. تعاملات اقتصادی آنان موجب شد که نخستین گروه‌های بومی با اسلام آشنا و به تدریج مسلمان شوند و بدین ترتیب، تجارت و اخلاق حرفه‌ای عامل مؤثری در گسترش اسلام بود (Levit Zion, 2012: 163).

برخی از تجار مسلمان معتقد، هنگامی که شرایط پذیرش اسلام در تُمبوکتو و غرب آفریقا را فراهم یافتند، تجارت را رها و به عنوان مبلغ به تبلیغ دین اسلام می‌پردازند. گروهی از آنان در تُمبوکتو سکونت و جامعه علمی و دینی شهر را تشکیل می‌دهند. محمد بن فقیه جزوی، شمس‌الدین بن نقویش مصری و علی زودی مراکشی تنها نمونه‌ای از بازرگانانی بودند که ردای تجارت از تن به در کرده و جامعه علمای تُمبوکتو را شکل می‌دادند (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۴۸؛ حسن محمد، ۱۴۳۰: ۱۵۵). برخی از تجار عرب صغنجویی و یا فرزندان آن‌ها که در روستای زاغری تکه سکونت و با تجار بومی دیولا تجارت می‌کردند نیز تجارت را رها و به تبلیغ اسلام در تُمبوکتو و سایر مناطق می‌پردازند. وجود اسامی صغنجویی در میان طبقه علمای تُمبوکتو در قرون نهم و دهم هجری حکایت از نقش مؤثر این بازرگانان عرب در گسترش اسلام در تُمبوکتو دارد (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۴۸).

از عواملی گسترش اسلام در غرب آفریقا و تُمبوکتو رواج زبان عربی است. زبان عربی که در ابتدا زبان تجارت و فرهیختگی جامعه تجار است با مسلمان شدن بازرگانان محلی و بومیان نقشی فزاینده را در زبان تجارت، و به عنوان زبان قرآن و اسلام و اعتقادات آنها جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. الگوی خطوط عربی برگرفته از اشکال کوفی و حجازی در تُمبوکتو رایج و نسخ خطی زیادی از قرآن کریم و سایر کتاب‌های دینی و علمی به عربی نسخه‌برداری می‌گردد. تجار مسلمان در کنار کالاهای تجاری، به هزینه شخصی نسخ زیادی از قرآن و کتاب‌های دینی و علمی استنساخ شده در مصر و حجاز و عراق و ملزومات نسخه‌برداری را خریداری و به تُمبوکتو وارد می‌کنند. برخی از تجار با ارائه گزارش‌هایی از فراهم بودن زمینه پذیرش اسلام در تُمبوکتو، حضور علما از شمال آفریقا و مصر را در این منطقه فراهم و تبلیغ اسلام را تسهیل می‌کنند (السعدی، ۱۹۸۱: ۱۴۱؛ دندش، ۱۹۵۵: ۱۵۵). این موضوع موجب تردد منظم کاروان‌ها بین تُمبوکتو، مغرب و مصر می‌شود و برخی علمای عرب و مصری و مغربی در قالب کاروان‌های تجاری از عربستان و مصر و شمال آفریقا وارد تُمبوکتو می‌شوند و در قرون هشتم تا دهم هجری در این شهر سکونت و بر غنای جامعه علمی و اسلامی تُمبوکتو می‌افزایند (السعدی، ۱۹۸۱: ۱۴۲؛ دندش، ۱۹۵۵: ۱۵۷).

شکوفایی اقتصادی ناشی از صادرات طلا، مس و برده و واردات کالاهای سودانی، پارچه‌های مصری و بردگان ترک و حبشی، موجب تمکن مالی تجار می‌شود و بخش مهمی از این درآمدها صرف ایجاد مساجد، مدارس و کتابخانه‌ها می‌شود (هیسکت، ۱۳۶۹: ۳۵؛ Reece, 2005: 40).

گروه دیگری از بازرگانان که - به سبب در انحصار داشتن تجارت طلا - بزرگ‌ترین بازرگانان غرب آفریقا محسوب می‌شدند فرمانروایان مالی بودند که از تجارت طلا به ثروت افسانه‌ای دست پیدا کردند. فرمانروایان مالی برای تداوم تجارت و بهره‌مندی از منافع آن، اقدامات مهمی چون تأمین امنیت مسیرهای تجاری (کعت، ۱۴۳۵: ۹۷؛ السعدی، ۱۹۸۱: ۱۶۲)، تدوین و اجرای قوانین حمایتی از تجار و گماشتن قضات عادل برای رسیدگی به دعاوی مالی و حقوقی (کعت، ۱۴۳۵: ۳۵؛ السعدی، ۱۹۸۱: ۷۶) را انجام می‌دادند. نمونه‌ای از این اقدامات، رسیدگی سلطان مالی به شکایت تاجر مسوفی که اموالش توسط حاکم محلی غصب شده بود و دستور به بازگرداندن مال مغضوبه (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۵۵) و صدور دستورالعمل جهت رساندن اموال تجار فوت شده به وارثانشان است (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۵۸). تعامل بین تجار و حاکمیت‌ها موجب شد تا طبقه علمی تُمبوکتو شکل گیرد؛ بسیاری از علمای تُمبوکتو یا خود پیشینه تجاری داشتند یا فرزندان بازرگانانی بودند که اکنون به تبلیغ اسلام می‌پرداختند. نیاز حاکمان تُمبوکتو به خدمات فقهی و علمی علمای اسلامی و احترام ویژه به آنان عامل دیگری در گسترش اسلام است. در دوره حاکمیت فرمانروایان مالی، شکوه دربار تنها محدود به ثروت نبود، بلکه داشتن کتابخانه‌های وسیع، مدارس و محاکم حقوقی بزرگ، نشانه قدرت و اعتبار دولت محسوب می‌شد. منسا موسی^۱ سلطان مالی - که احتمالاً مشهورترین سلطان غرب آفریقا در سده‌های میانه اسلامی و بسیار سخاوتمند بوده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۵۸) - با سفر حج سال ۷۲۴ ق خود به مصر که موجبات تورم در این کشور را با بذل و بخشش حجم زیادی از طلا فراهم می‌کند (عمری، ۱۴۲۳: ۴ / ۱۵۰) در بازگشت به تُمبوکتو با خرید کتاب‌های فراوان و تشویق علمای مصری به اقامت در تُمبوکتو، پایه‌های فرهنگی و علمی شهر را تقویت می‌کند. این سیاست در دوره برخی دیگر از سلاطین مالی نیز پیگیری می‌شود. حمایت از علوم غیردینی مانند پزشکی، نجوم و ریاضیات نیز اعتبار و جایگاه حکومت را ارتقا می‌دهد. بخش مهمی از نسخ خطی کتابخانه‌های تُمبوکتو به دوره منسا موسی و جانشینانش تعلق دارد و عمدتاً به زبان عربی و برخی به صنگای و تماشق نوشته شده‌اند.

با اسلام آوردن فرمانروایان مالی و انجام سنت هر ساله فریضه حج (کعت، ۱۴۳۵: ۹۶)، مبادلات تجاری و آموزشی بین تُمبوکتو، مصر و حجاز افزایش می‌یابد و تعداد از مردم تُمبوکتو جهت حج و تحصیل علوم اسلامی به مصر می‌روند. فرمانروایان مالی با تدارک کاروان‌ها و پرداخت هزینه‌های آن در گسترش اسلام در تُمبوکتو مشارکت می‌کنند. برخی سلاطین مالی چون منسا موسی و منسا سلیمان با نظر علمای تُمبوکتو مبنی بر دعوت استادان مصری، شبکه‌ای از تبادل دانشجو و استاد برقرار می‌کنند (عمری، ۱۴۲۳: ۴ / ۱۵۰) و این روند، نقش تجار

۱. ابن فضل الله عمری که در زمان این پادشاه در قاهره بوده وی را قدرتمندترین و ثروتمندترین و پرهیبت‌ترین فرد زمان خود دانسته که خود را متعهد به تبلیغ اسلام می‌داند (العمری، ۱۴۲۳: ۴ / ۱۵۰).

مسلمان را به عنوان مبلغان دینی، تأمین کنندگان امنیت مسیرها و حامیان مالی و فرهنگی مؤسسات اسلامی تقویت می‌کند. تجارت پرسود، شبکه‌های اقتصادی و مشارکت در مبادلات بین‌المللی، انگیزه‌ای برای پذیرش اسلام در میان بومیان و حاکمان محلی فراهم می‌کند و بدین ترتیب، اسلام در تُمبوکتو ریشه‌دار شد.

نقش دیگری که تجارت در گسترش اسلام در تُمبوکتو ایفا می‌کند به عملکرد تاجران - عالمانی برمی‌گردد که سنگ بنای گسترش اسلام را در تُمبوکتو می‌گذارند. آنان با درک احتیاط‌های فرمانروایان محلی غرب آفریقا در ممانعت از اختلاط بین تجار غیربومی با بومیان، بدون ایجاد حساسیت برای حاکمیت‌ها (غانه، مالی و صنغای) به تجارت با حاکمیت‌ها (تجارت طلا) و بومیان می‌پردازند. به تدریج سواد و دانش تاجران - عالمان موجب نزدیکی به دربارها (فرمانروایی غانه) و خدمت به عنوان وزیر و مشاور، کاتب یا آموزگار (بکری، ۱۴۲۴: ۳۶۳/۲) و یا قاضی و خطیب و مدرس می‌شود (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۴۷). برخی فرمانروایان به دست همین تاجران - عالمان اسلام می‌آورند که نمونه بارز آن، مسلمان شدن سونجایته، بنیان‌گذار سلسله مالی، به دست مدرک بن مقوص (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۴۲) و یکی از پادشاهان بت‌پرست مالی در سال ۵۷۵ هجری به دست علی بن یخلف - تاجر اباضیه مذهب رستمی مسلمان که در تجارت طلای خام (تبر) بود - اشاره کرد (درجینی، ۱۹۷۴: ۵۷۰). اختصاص برخی مغازه‌ها و مکان‌های تجاری به امر آموزش در شب‌ها، تأسیس مراکز متعدد علمی و تربیت هزاران محقق و دانشمند حاصل کار این تاجران - عالمان بود که یا خود هزینه آن را تأمین می‌کنند و یا فرمانروایان محلی را ترغیب به تأمین هزینه‌ها می‌نمایند. گروهی از این تاجران - عالمان که گسترش اسلام را بر تجارت در اولویت می‌بینند تجارت را رها کرده و شاگردان برجسته‌ای را تربیت می‌کنند. احمد بابا تنبکتی^۱ نمونه‌ای نمونه‌ای از این شاگردان است. از موارد دیگر نقش‌آفرینی تاجران - عالمان در گسترش اسلام در تُمبوکتو، مهاجرت تاجران - عالمان طوارقی اهل والاته به تُمبوکتو است که موجب رونق تجاری و فرهنگی تُمبوکتو می‌شود. حضور علمای صنهاجی والاته ای در مسجد سنکوره که به مرکز عمده تعلیمات اسلامی غرب آفریقا تبدیل گردید موجب ترویج علم و دانش در اقصی نقاط صحرا و غرب آفریقا می‌شود (هیسکت، ۱۳۶۹: ۷۱). با تبدیل تُمبوکتو به مرکز اصلی تجاری غرب آفریقا، ورود کالاهای غیر تجاری و فرهنگی از جمله ورود کتاب‌های علمی و دینی، نقش مهمی در تبدیل تُمبوکتو به مرکز مهم علمی و دینی در جهان اسلام می‌شود ابن بطوطه از ملاحظه نسخه ای از کتاب المدهش در کتابخانه تُمبوکتو خبر می‌دهد (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۲۴۵).

در کنار فعالیت بازرگانان جهت گسترش اسلام و فراتر از جنبه اقتصادی، امنیت مسیرهای تجاری و ایجاد کاروان‌سراها در منزلگاه‌های میانی، شرايطی مناسب برای گسترش اسلام ایجاد می‌کند. در کاروان‌های تجاری

۱. در سال ۹۳۵ ق تمبکتو به دنیا آمد و در سال ۱۰۰۶ ق در این شهر در گذشت و بیش از ۴۰ اثر در فقه مالکی و حدیث و تاریخ نگاشت.

علاوه بر بازرگانان، کاتبان، علمای دینی، امامان جماعت و زائران حج حضور داشتند (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲ / ۳۴۵). توقف‌های موقت در منازل بین‌راهی و گفت‌وگوهای میان مسافران و ساکنان محلی، زمینه‌ای برای معرفی تعالیم اسلامی فراهم می‌کند و تجارت به طور غیرمستقیم زمینه پذیرش دین اسلام را فراهم می‌کند. تجارت و دین به موازات هم پیش می‌روند و مسیرهای کاروانی به کانالی برای انتقال اسلام به جوامع غرب آفریقا بدل می‌شود و فرصت تبادل اندیشه از نتایج این موقعیت است. کاروان‌های عبوری افزون بر انتقال کالا، حامل دانش، فرهنگ و تعالیم دینی بودند. بررسی مسیرهای تجاری شمال و غرب آفریقا نشان می‌دهد که تُمبوکتو به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه، نقشی اساسی در پیوند اقتصادی دو سوی صحرای آفریقا ایفا می‌کند. امنیت و پویایی این مسیرها نه تنها زمینه‌ساز رونق اقتصادی شهر است، بلکه موجب ورود اسلام به غرب آفریقا و تثبیت آن در تُمبوکتو می‌شود و این شهر از رهگذر تجارت به یکی از کانون‌های علمی و فرهنگی جهان اسلام در قرون میانه تبدیل می‌گردد؛ بنابراین، راه‌های تجاری را نه صرفاً به عنوان معابر اقتصادی، بلکه به منزله مسیرهای انتقال فرهنگ و دین در تاریخ اسلام غرب آفریقا می‌بایست ارزیابی کرد.

بررسی تاریخی تُمبوکتو آشکار می‌سازد که ترکیب دو عامل اصلی - مراکز تجاری و مراکز علمی - فرهنگی - نقشی تعیین‌کننده در گسترش اسلام در این شهر و سراسر غرب آفریقا داشته است. موقعیت جغرافیایی ممتاز، رونق بازارها، رواج زبان عربی و کتابت، حمایت حاکمان بزرگی چون منسا موسی و فعالیت تاجر - عالمان مهاجر همگی دست‌به‌دست هم می‌دهند تا تُمبوکتو به یکی از مهم‌ترین کانون‌های تمدنی جهان اسلام تبدیل می‌شود. بدین ترتیب، تُمبوکتو را باید نه صرفاً یک مرکز تجاری، بلکه شهری دانست که در آن اقتصاد، دین و فرهنگ به هم می‌پیوندند و الگویی کم‌نظیر از پیوند تجارت و اسلام در تاریخ آفریقا پدید می‌آورد.

نتیجه

گسترش اسلام در تُمبوکتو نتیجه تعامل پیچیده‌ای میان تجارت عبوری، قدرت سیاسی و فعالیت‌های علمی بود. قرارگرفتن تُمبوکتو در مسیرهای تجاری شمال - جنوب و غرب آفریقا از قرن هفتم هجری، این شهر را به پایانه‌ای مهم تبدیل کرد و حضور تجار بومی و تاجر عرب، مصری، مغربی و اندلسی موجب رونق تجارت و انتقال معارف اسلامی شد. کالاهایی مانند طلا، نمک، پارچه و برده جریان اقتصادی گسترده‌ای ایجاد کرد و تُمبوکتو بیشترین سود را از انتقال این کالاها می‌برد. حمایت حاکمان مالی، به‌ویژه منسا موسی، در تأمین امنیت مسیرهای تجاری، ایجاد تسهیلات برای حضور تجار غیربومی و تأسیس مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز علمی، زمینه حضور علما و فقها را فراهم کرده و رشد و گسترش تعالیم اسلامی را شتاب بخشید. استتساخ و نگهداری صدها هزار نسخه خطی علمی و دینی که عمدتاً به زبان عربی بودند، نشان‌دهنده اهمیت تجارت در تقویت فرهنگ و علم در شهر است. شبکه‌های کاروانی تجاری نه تنها کالا، بلکه دانش و آموزه‌های اسلامی را منتقل می‌کرد و زمینه پذیرش گسترده

اسلام در جوامع محلی را فراهم ساخت. این فرایند، نمونه‌ای بارز از تأثیر تعامل اقتصاد و دین بر تحولات اجتماعی، فرهنگی و علمی در غرب آفریقا است.

کتاب‌نامه

- ابراهیم علی، احمد، (۲۰۲۴). مظاهر الحياة الاجتماعية لتجار السودان الغربي عهد مملکتی مالی و الصنغی، مجله التاريخ و المستقبل، شماره ۷۵.
- ابن بطوطه، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (۱۳۷۰). سفرنامه. ترجمه محمدعلی موحد، تهران: انتشارات آگاه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۰). العبر. ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن صغیر، (۱۹۸۶). اخبار الاثمه الرستمین. به کوشش محمد ناصر و ابراهیم بحاز، الجزائر: مطبوعات الجمیله.
- ابن عبدالحکم، عبدالرحمن بن عبدالله ابوالقاسم (۱۴۱۵). فتوح مصر و اخبارها. قاهره: مکتبه مدبولی
- ابن الوزان، الحسن بن محمد الوزان الفاسی (۱۸۸۳). وصف أفريقية. به کوشش محمد حجی و محمد الأخضر، بیروت: دار الغرب الإسلامي.
- اسماعیلی، مریم و ولی الله برزگر کلیشمی و مهدی عبادی (۱۳۹۵). مغربیان و تجارت خارجی مصر در روزگار آل عثمان. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی. سال ۴۹، شماره ۱.
- بکری، ابو عبید عبدالله بن عبدالعزیز بن محمد (۱۹۹۲). المسالك و الممالك. بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- بکری، ابو عبید عبدالله بن عبدالعزیز بن محمد (۱۴۲۴). المسالك و الممالك. به کوشش جمال طلبه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۲). فتوح البلدان. به کوشش رضوان محمد رضوان، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بوید، آلن ا. و نیکرسون، جان (۱۳۸۵). مبادله نمک با طلا. ترجمه علی بحرانی پور، بررسی های نوین تاریخی، ش ۲.
- حسن محمد، نبیله (۱۴۳۰). فی التاريخ افريقا الاسلامیه. اسکندریه: دارالمعرفه الجامعیه.
- السامعی، احمد، (۲۰۲۱). العلاقات بین الغرب الإسلامی والسودان الغربی. الجزائر: جامعة قسنطنین للعلوم الاسلامیه.
- السعدی، عبدالرحمن عبدالله بن عمران بن عامر (۱۹۸۱). تاریخ السودان. پاریس: مدرسه السنه شرقی.
- درجینی، ابوالعباس احمد بن سعید بن سلیمان (۱۹۷۴). طبقات المشایخ بالمغرب. به کوشش ابراهیم طلالی، قسنطنین: مطبعه البعث.
- دندش، عصمت عبداللطیف (۱۴۰۸). دورالمربطین فی نشرالاسلام فی غرب افریقیا. بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- دیویدسن، بزیل (۱۳۶۹). افریقا، تاریخ یک قاره. ترجمه هرمز ریاحی و فرشته مولوی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صفدی، صلاح الدین خلیل (۱۴۲۰). الوافی بالوفیات. به کوشش أحمد الأرنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت: دار احیاء التراث.
- طرخان، ابراهیم علی (۱۹۷۱). إمبراطورية غانه الإسلامیه. القاهرة: الهيئة العامة للكتاب.
- عمری، شهاب الدین احمد بن یحیی بن فضل الله (۱۴۲۳). مسالك الابصار فی ممالك الامصار. ابوظبی: المجمع الثقافی.
- قلقشندی، ابی العباس احمد بن علی (۱۹۸۷). صبح الاعشی. به کوشش محمدحسین شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- کعت التنبکتی، محمود (۱۴۳۵). تاریخ الفتاش فی اخبار البلدان و الجیوش و اکابر الناس و ذکر وقائع التکرور و عظام الامور و تفریق انساب العبيد من الاحرار. به کوشش آدم بومبا، دمشق: موسسه الرساله ناشرون.

تاریخ و تمدن اسلامی، سال بیست و یکم، شماره پنجاه و دو، پاییز ۱۴۰۴

کوک، ژ.م (۱۳۷۵). مسلمانان آفریقا. ترجمه اسدالله علوی، مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.
مارمول، کاربخال (۱۹۸۴). آفریقا. ترجمه محمد حجی و آخرون، الرباط: الجمعية المغربية.
مهلبی، حسن بن احمد (بی تا). کتاب العزیزی یا المسالک والممالک، بی جا: بی نا.
لومبارد، موريس (۱۳۹۱). جغرافیای تاریخی جهان اسلام در چهار قرن نخستین. ترجمه عبدالله ناصری طاهری و سمیه سادات طباطبایی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
هیسکت، مروین (۱۳۶۹). گسترش اسلام در غرب آفریقا. ترجمه احمد نمایی و محمدتقی اکبری، مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.

- Conrad, Divad. (2005). *Empires of Medieval West Africa: Ghana, Mali, and Songhay*. New York: Infobase Publishing.
- El-Fasi, M. (Editor) (1988). *General history of Africa (Africa from the Seventh to the Eleventh Century)*. Los Angeles: University of California Press.
- Hunwick, John (1999). *Timbuktu and the Songhay Empire: Al-Sa'dī's Ta'rīkh Al-sūdān down to 1613 and other Contemporary Documents*. Leiden: Brill.
- Levtzion, Nehemia (2012). Islam in the Bilad al-Sudan to 1800. in *Islam in Africa and the Middle East Studies on Conversion and Renewal*. London: Routledge.
- Reece, Katherine (2005). *West African Kingdoms: Empires Of Gold and Trade (Ancient Civilizations)*. Vermont and Wisconsin: Rourke Pub Group.
- Low, Rabin. (1995). editor. *From Slave Trade to "Legitimate" Commerce: The Commercial Transition in Nineteenth-Century West Africa*. Papers from a conference of the Centre of Commonwealth Studies, University of Stirling. (African Studies Series, number 86.) New York: Cambridge University Press.

Romanization of Bibliography

- Bakrī, Abū 'Ubayd Allāh b. 'Abd al- 'Azīz b. Muḥammad(1424 AH/ 2003). al- Masālik wa al- Mamālik. Revised by Jamāl Ṭalaba. Beirut: Dār al- Kutub al- 'Ilmiyya.
- Bakrī, Abū 'Ubayd Allāh b. 'Abd al- 'Azīz b. Muḥammad(1992). al- Masālik wa al- Mamālik. Beirut: Dār al- Gharb al- Islāmī.
- Balādhurī, Aḥmad b. Yaḥyā(1412 AH/ 1991). Futūḥ al- Buldān. Raḍwān Muḥammad Raḍwān. Beirut: Dār al- Kutub al- 'Ilmiyya.
- Boyd, Alan A., Nickerson, John(1385/ 2006). Mubādila- yi Namak bā Ṭalā. Trans. Ali Bahrani-pour. Barrisī- hā- yi Nūwīn- i Tārīkhī. No.2.
- Conrad, Divad. (2005). Empires of Medieval West Africa: Ghana, Mali, and Songhay. New York: Infobase Publishing.
- Cuoq, Joseph M.(1375/ 1996). Les musulmans en Afrique. Trans. Asadullah Alavi. Mashhad: Bunyād- i Pazhūhish- hā- yi Astan Quds Razavi.
- Dandash, 'Iṣmat 'Abd al- Ṭayf(1408 AH/ 1987). Dawr 'l- Murābiṭīn fī Nashr al-Islām fī Gharbi Ifrīqiyyā. Beirut: Dār al- Gharb al- Islāmī.
- Darjīnī, Abū 'l- 'Abbās Aḥmad b. Sa'īd b. Sulaymā(1974). Ṭabaqāt al- Mashāyikh bil- Maghrib. Revised by Ibrāhīm Ṭalāy. Muscat: Maktaba al- Ba'th.
- Davidson, Basil(1369/ 1990). Āfrīqā, Tārīkh- i Yik Qārih, Trans. Hormoz Riahi & Fereshteh Molavi. Tehran: Intishārāt- i Amīr Kabīr.
- El-Fasi, M. (Editor) (1988). General history of Africa (Africa from the Seventh to the Eleventh Century). Los Angeles: University of California Press.
- Esmaily, Maryam & Barzegar, Vali-allah & Mehdi Ebadi(1395/ 2016)."The Maghrebians and Foreign Trade of Egypt during the Reign of Ottoman Dynasty (923-1213 A.H/ 1517-1798 A.D)". Iranian Journal for the History of Islamic Civilization. Volume 49. Issue 1. pp. 7-24.
- Ḥasan Muḥammad, Nabāila(1430 AH/ 2008). fī al- Ta' rīkh Ifrīqā al- Islāmiyya. Alexandria: Dār al- Ma' rifat al- Jāmi'īa.
- Hiskett, Mervyn(1369/ 1990). The Development of Islam in west Africa. Trans. Ahmad Namaie & Mohammad Taqi Akbari. Mashhad: Bunyād- i Pazhūhish- hā- yi Astan Quds Razavi.
- Hunwick, John (1999).Timbuktu and the Songhay Empire: Al-Sa'dī'sTa'rīkh Al-sūdān down to 1613 and other Contemporary Documents. Leiden: Brill.
- Ibn 'Abd al- Ḥakam, 'Abd al- Raḥman b. 'Abd Allāh Abū 'l- Qāsim(1415 AH/ 1994). Futūḥ Miṣr wa Akhbār- hā. Cairo: Maktaba Madbūlī.
- Ibn al- Wazzān, al- Ḥasan b. Muḥammad al- Wazzān al- Fāsī(1883). Waṣf al-Ifriqiyyah. Revised by Muḥammad Hajjī & Muḥammad al- Khiḍr. Beirut: Dār al- Gharb al- Islāmī.
- Ibn Baṭṭūṭa, Abū 'AbdAllāh Muḥammad b. 'Abd Allāh(1370/ 1991). Safar- Nāma. Trans. Mohammad Ali Movahed. Tehran: Intishārāt- i Āgāh.
- Ibn Khaldūn(1370/ 1991). al-'Ibar. Trans. Abdolmohammad Ayati. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Ibn Ṣaghīr(1986). Akhbār al-A'imma al- Rustamiyyin. Revised by Muḥammad Nāṣir & Ibrāhīm Baḥāz. Algeria: Maṭbū'āt al- Jamīla.
- Ibrāhīm 'Alī, Aḥmad(2024). "Mazāhir al- Ḥayāt al- Ijtimā'iyya li- Tujjār al- Sūdān al- Gharbī 'Ahd Mamlakatī Mālī wa al- Ṣunghī". Majala al- Ta'rīkh wa al- Mustaqbal. No. 75.
- Ka'at al- Tunbuktī, Maḥmūd(1435 AH/ 2013). Ta'rīkh al- Fattāsh fī Akhbār al-Buldān wa al- Juyūsh wa Akābir al- Nāss wa Dhikr Waqā'i wa A'āzim al- Umūr wa Tafriq Ansāb al-'Abid min al- Aḥrār. Revised by Ādam Būmbā. Damascus: Resalah publishers.
- Levtzion, Nehemia (2012). Islam in the Bilad al-Sudan to 1800. in Islam in Africa and the Middle EastStudies on Conversion and Renewal. London: Routledge.
- Lombard, Maurice(1391/ 2012). Jughrafiyyā- yi Tārīkhī- yi Jahān- i Islām dar Ġahār Qarn- i Nukhustīn. Trans. Abdullah Naseri Taheri & Somaye Al-Sadat Tabatabaei. Tehran: Pazhūhishkada- yi Tārīkh- i Islām.
- Low, Rabin. (1995). editor. From Slave Trade to "Legitimate" Commerce: The Commercial

- Transition in Nineteenth-Century West Africa. Papers from a conference of the Centre of Commonwealth Studies, University of Stirling. (African Studies Series, number 86.) New York: Cambridge University Press.
- Marmol, Carvajal(1984). Ifrīqīya. Trans. Muḥammad Ḥajjī & Akharūn. Rabat: al- Jam‘iyya al-Maghribiyya.
- Muhallibī, Ḥasan b. Aḥmad(Und.). Kitāb al- ‘Azīziyyā al- Masālik wa al- Mamālik. (Und.). (Und.).
- Qalqashandī, Abī al- ‘Abbās Aḥmad b. ‘Alī(1987). Ṣubḥ al- A‘shā. Revised by Muḥammad Ḥusayn Shams al- Dīn. Beirut: Dār al- Kutub al- ‘Ilmiyya.
- Reece, Katherine (2005). West African Kingdoms: Empires Of Gold and Trade (Ancient Civilizations). Vermont and Wisconsin: Rourke Pub Group.
- al- Sa‘dī, ‘Abd al- Raḥman b. ‘Imrān b. ‘Āmir(1981). Ta’rīkh al- Sūdān. Paris: Madrasa al- Sunnah al- Sharqī.
- Ṣafadī, Ṣalāḥ al- Dīn Khalīl(1420 AH/ 1999). al-Wāfī bi-al- Wafayāt. Revised by Ahmad Arnaout & Turki Mostafa. Beirut: Dār Iḥyā’ al- Turāth.
- al- Sāmi‘ī, Aḥmad(2021). al- ‘Alāqāt Bayn al- Gharb al- Islāmī wa al- Sūdān al- Gharbī. Algeria: Emir Abdelkader University.
- Ṭarkhān, Ibrāhīm ‘Alī(1971). Imbarātūriyya Ghāna al- Islāmiyya. Cairo: al- Hay’at al- ‘Āma li- Kitāb.
- ‘Umarī, Shihāb al- Dīn Aḥmad b. Yahyā b. Faḍl Allāh(1423 AH/ 2002). Masālik al-Abṣār fī Mamālik al- Amṣār. Abu Dhabi: Cultural Foundation.

